مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰جلد۳، ص۴۸-۴۱
http://www.jhss.ir

بررسی توصیفی مبانی فلسفی و روانشناختی و جامعه شناسی برنامه ی درسی فناوری اطلاعات و سواد رسانه ای بر نظام آموزشی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص۴۸-۴۱

فرشاد راشدپور[۱]
[۱]کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی و کارمند رسمی آموزش و پرورش

نویسنده مسئول:
فرشاد راشدپور

چکیده

فراگیر به عنوان محور فرآیند یادگیری و آموزش تلقی می شود و به همین دلیل برنامه ریزان قبل از هر چیزی اطلاعات زیادی از فراگیران را بدست آورده و با ابعاد مختلف شخصیت فراگیران آشنا می شوند. روانشناسی، کاربرد روشها و رویکردهای علمی در تلاش به منظور شناخت انسان را شامل میشود. با پیشرفت روز افزون دانش و تکنولوژی، امروزه جامعه و کشور ما نیازمند آموزش مهارت هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری به پیش برود . هدف باید پرورش انسان های خلاق با بهره مندی از آخرین اطلاعات و یافته های علمی در تمامی زمینه های اجتماعی، فنی، فرهنگی و ... از طریق فناوری اطلاعات باشد. روش تحقیق توصیفی بود و مدارک جمع آوری شده بصورت کتابخانه ای انجام پذیرفته است. با توجه به گسترش روز افزون فناوری اطلاعات و تاثیر فزاینده آن بر زندگی انسان، آشنایی دانش آموزان و معلمان با این فناوری و نیز تسلط در استفاده از ابزارهای آن، از ضروریات است. این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی مبانی روان شناختی، اجتماعی و فلسفی برنامه درسی فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام شد. از آنجا که در حال حاضر معلم محوری پایه آموزش و پرورش درکشور می باشد، به روزکردن مدارس، استفاده از فناوریهای روز، برخورداری از خلاقیتهای نوین درآموزش و پرورش و نیز اهمیت دادن به توانایی های دانش آموزان، لازمه ی این تحوّل می باشد. به کمک تکنولوژی و رسانه می توان بر نظام آموزشی و یادگیری دانش آموزان تأثیری مثبت بر جای گذاشت.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، فناوری اطلاعات، روان شناختی، جامعه شناسی، نظام آموزشی.

مقدمه و بیان مسأله

فناوری اطلاعات[1] و تکنولوژی به عنوان یک رویکرد نوین، در نقش مکمل نظام آموزشی[2] ، بهبود کیفیت تدریس، تنوع بخشیدن به شیوه های تدریس، فراهم ساختن آموزش مستمر و خودکار، کوتاه نمودن زمان آموزش، کوتاه کردن دوره تحصیل، توجه به استعداد های فردی، انفرادی کردن آموزش و مقابله با مشکلات آموزش جمعی عمل می کند (ملکی، ۱۳۸۸).

امروزه آموزش به عنوان یکی از روشهای توسعه منابع انسانی سازمانها مطرح است و آموزش مناسب و مؤثر به عنوان عامل برتری عملکرد و زمینه ساز رشد کمی و کیفی مطابق تحولات روز باشد. دیدگاه و رویکرد افراد دربارهٔ تعلیم و تربیت و به تبع آن برنامهٔ درسی بازتاب جهان بینی آن هاست .به عبارت دیگر، هر جهان بینی دارای آثار و دلالتهای خاصی در اجزای برنامهٔ درسی یعنی فرایند یاددهی ــ یادگیری، اهداف، نقش یادگیرنده، نقش معلم و نظایر این هاست .تعیین رویکردها و روش های برنامهٔ درسی از جمله مراحل حساس و ضروری برنامه ریزی درسی است که چارچوب نظری و مفهومی برنامهٔ درسی را، که شامل بنیادهای فلسفی، روان شناسی و جامعه شناسی آن است، مشخص می کند (میلر،۱۳۷۹).

هر ایده ی تربیتی خط مشی های اساسی ای درباره ی ماهیت انسان، هستی و معرفت، و همچنین ارزشهای متفاوتی را فرا روی متفکران همان حوزه قرار می دهد . در حوزه ی برنامه ی درسی نیز رویکردهای متفاوتی وجود دارد که هرکدام از آن ها درباره ی موضوعات اساسی این حوزه موضع گیریهای بنیادی مخصوص به خود دارند (جعفری ثانی، ۱۳۸۲ ، ص ۱۹).

از علومی که برنامه ریزان آموزشی و درسی باید با آن آشنا باشند تا بتوانند از اصول قواعد و یافته های آن در مراحل مختلف طراحی و اجرای برنامه های آموزشی و درسی استفاده نمایند علم روانشناسی است .این علم بخصوص از نیمه دو قرن نوزدهم توسعه قابل ملاحظه ای یافته و کمکهای شایان توجهی به اغلب علوم انسانی نموده است. امروزه جای کوچکترین تردیدی نیست که استفاده از اصول قوانین و یافته های علم روان شناسی یکی از ارکان اصلی پیشرفتها و ترقیات انسان در شأنهای مختلف زندگانی بوده است .انسان بخصوص طی قرن اخیر برای حل بسیاری از مسائل فردی و اجتماعی خود از این علم کمکهای سودمندی دریافت داشته است(پروند، ۱۳۸۵).

برنامه درسی یک نقشه برای تجارب یادگیری تلقی می شود که فراگیران با راهنمایی مدرسه با آن مواجه می شوند که هدف آن فراهم کردن ابزار برای نظم بخشیدن و هدایت آن تجارب است (اولیوا[3]، ۲۰۲۰).

مبانی برنامه درسی، مجموعه گزاره های توصیفی و تبیینی است که شناخت امور معینی را برای ما فراهم میسازد که فرایند برنامه ریزی درسی با تکیه بر آنها صورت می پذیرد .مبانی، بر دلالت های مهمی تأکید دارند که نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه های برنامه درسی کارآفرینی را شکل می دهند .از مهمترین آنها، مبانی فلسفی برنامه درسی است که مجموعه تبیین های منسجمی است که در خصوص ماهیت انسان، ماهیت معرفت و ماهیت ارزش از سوی یک مشرب فکری ارائه می گردد(ملکی، ۱۳۸۶).

یکی از مهمترین یافته های روان شناسی که بیش از همه برنامه ریزان درسی استفاده می کنند و ضرورت توجه بیشتر به مبانی روانشناسی برنامه درسی آشکار می کند عبارت است از کشف این حقیقت که بیشتر تجارب یادگیری دارای نتایج متعددی می باشند .مثلا کودکی که روی مسئله ریاضی کار می کند ممکن است معلومات درباره آن مسئله بدست آورد .مثلا تحقیقاتی که اخیراً انجام گرفته اند بیان کننده این مطلب هستتند که بهره بیشتر افراد در سرمایه گذاریهای خود معمولا انتظار شش درصد بهره در هر شش ماه را داشتند .به عبارت دیگر، تصور می کردند که نرخ بهره شش است و این موضوع بیشتر ناشی از این بود که در بیشتر مسائل نرخ بهره شش درصد تعیین می شد .نه تنها دانش آموزان اطلاعات دیگری را درباره مطالب مورد بحث در مسئله به دست می آورند، بلکه بعضی نگرشهای مطلوب یا نا مطلوب نسبت به ریاضیات نیز در آنان ایجاد می شود .در عین حال، سبب توسعه بعضی علاقه ها یا محدود کردن بعضی دیگر می شود .به طور کلی، هر تجربه تربیتی دو یا چند بازه به همراه دارد .این مطلب برای برنامه ریزان درسی مهم می باشد؛ زیرا، بیشترین کار آیی آموزش زمانی است که بر نتایج متعدد هر تجربه تربیتی توجه شود .بنابراین، برنامه درسی باید هدفهای تربیتی ممکن را بررسی کند تا ببیند چگونه می توان تعدادی از آنها را با هم و از طریق تجارب یادگیری مشابه تحقق بخشید (یارمحمدیان، ۱۳۷۷). از علومی که برنامه ریزان آموزشی و درسی باید به آن آشنا باشند تا بتوانند از اصول قواعد و یافته های آن در مراحل مختلف طراحی و اجرای برنامه های آموزشی و درسی استفاده نمایند؛ علم روانشناسی است .این علم بخصوص از نیمه دو قرن نوزدهم توسعه قابل ملاحظه ای یافته و کمکهای شایان توجهی به اغلب علو م انسانی نموده است.

1. Information Technology
2. The Education System
3. Oliva

امروزه جای کوچکترین تردیدی نیست که استفاده از اصول قوانین و یافته های علم روانشناسی یکی از ارکان اصلی در پیشرفتها و ترقیات انسان در شأنهای مختلف زندگانی بوده است .انسان بخصوص طی قرن اخیر برای حل بسیاری از مسائل فردی و اجتماعی خود از این علم کمکهای سودمندی دریافت داشته است (پروند،۱۳۸۵).

رویکردهای برآمده از عصر جدید ارتباطات و فناوری ها در تعلیم و تربیت ازجمله دیدگاه مبتنی بر خود یادگیری و یادگیری فراشناخت، یا یادگیری فرایند مدار، موجب بازنگری در تعریف مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت همچون سواد، علم، تدریس، معلم، دانش آموز، محتوای درسی و مدرسه شده است . تصویری که از آموزش فردا بیان می شود اینگونه است : آموزش و پرورش در هزاره جدید متحول خواهد شد . دیگر دانش آموزان با کتاب و کیف که از میان راهروها با دفترچه های گوناگون سراسیمه حرکت می کنند دیده نخواهند شد، در حالی که مدرسه وجود خواهد داشت، در اداره کلاس ها، اختلافات بسیاری بیان می شود، کاغذ به همان صورتی که اکنون مورد استفاده قرار می گیرد به کار نخواهد رفت، چرا که باید از وسیله ای محدود برای انتقال اطلاعات استفاده شود . در حالی که، اطلاعات الکترونیکی قابل بازنویسی می باشد و منبع مهمی را تلف نمی کند و در عین حال فشرده تر می باشد(عبادی، ۱۳۸۴).

کلاس درس بمنزله گروه پویای اجتماعی است و مدرسه به مثابه یک نهاد اجتماعی است. از این رو معلمان امروزه به طراحی، هدایت و سازماندهی تجربیاتی نیاز دارند که یادگیرندگان در خلال آن به درک و فهم برسند نه اینکه صرفا اطلاعات و مهارت های انتزاعی و ساده ای را بگیرند و این اطلاعات و مهارتهای انتزاعی را به خاطر بسپارند (شریعتمداری، ۱۳۷۸).

ارتقای کیفیت آموزش در هر مقطع و رشته تحصیلی مستلزم کاربرد اصول و فنون برنامه درسی است. کاربرد فنون برنامه درسی با توجه به مبانی آن و اجرای اصول یادگیری، در بازنگری و بهبود برنامه ها و آموزش های موجود در مدارس، دانشگاهها و مراکز تربیت نیروی انسانی حایز اهمیت است (میرزابیگی، ۱۳۸۰).

پیشینه پژوهش و مبانی نظری

ایوس پونی[1] (۲۰۰۷) یکی از اهداف فاوا در نظام آموزشی را کسب صلاحیت های دیجیتالی و مهارتهای سطح بالاتر مانند درک آنچه که زندگی در جامعه شبکه ای شده اتفاق می افتد را می داند.

ارنشتاین و هانکینز[2] (۱۹۹۷) معتقدند مبانی برنامه درسی حدود و ثغور مرزهای خارجی برنامه درسی را تعیین کرده است و تعیین می کند که این منابع اطلاعاتی معتبر از کدام نظریه ها، اصول و ایده های قابل قبول به برنامه ی درسی مرتبط می شوند . توجه به دیدگاههای عمده روان شناسان تربیتی و یادگیری در تنظیم و طراحی برنامه های درسی همیشه از دغدغه های اصلی برنامه ریزان درسی بوده است.

ام .پوده و ام .ویکزیانی در سال ۲۰۰۴ در مقاله ای تحت عنوان مدارس هوشمند مالزی و نیم نگاهی به مدارس استرالیا، سیاستهای مدارس هوشمند مالزی و استرالیا را مورد بررسی قرارداد و معیار پیشرفت در گزارش طرح آزمایش مدارس هوشمند در مالزی موارد فنی است و موارد آموزشی شامل اهداف بلند پروازانه ای است که مدارس هوشمند بر اساس این معیارها ارزیابی نشده اند. نتایج تحقیق نشان داده کمترین سهم بودجه در مدارس هوشمند مالزی به آموزش اختصاص داده می شود.

عباس زاده (۱۳۷۱) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان آشنایی معلمان استان مازندران با مواد آموزشی و کاربرد آن در آموزش خاطرنشان ساخته است که اکثریت معلمان در مورد اهداف آموزشی اطلاع چندانی ندارند و از مهارتهای لازم برای به کارگیری وسایل و فناوری آموزشی برخوردار نیستند و ۹۵ درصد معلمان با شیوه های علمی ارزشیابی آموزشی آشنایی ندارند و از نتایج کاربرد آن در تدریس بی اطلاع هستند.

شوآب (۱۹۸۳) معلم را عضو اصلی گروه های تصمیم گیرنده برنامه درسی به حساب می آورد و می گوید: اولین پاسخ به این سؤال که چه کسی عضو اصلی گروه های تصمیم گیرنده درباره برنامه درسی باشد، معلم است. مکررا و با صدای بلندتر باید گفت: معلم دو دلیل اصلی برای چنین پاسخی وجود دارد. دلیل نخست آنکه معلم در بهترین اوقات در کنار دانش آموزان است و دوم آنکه معلم یگانه شخصیتی است که می تواند اطلاعات مناسب را بر حسب نحوه یادگیری دانش آموزان ارائه دهد (مهر محمدی، ۱۳۸۴).

وندنبورک[1]و همکاران (۲۰۰۷) و ماریلین لیسک و همکاران (۲۰۰۵) نیز یکی از مزایای فاوا را افزایش انگیزه تحصیلی و اعتماد به نفس و گسترش یادگیری مستقل می دانند.

گیلسپی (۱۹۹۷) معتقد است که فناوری های جدید می توانند از طریق فعال کردن دانش آموزان، تشویق دانش آموزان برای تولید و خلق کردن و تسهیل نمودن همکاری بر کیفیت یادگیری دانش آموزان تأثیر بگذارند. (کرمی و عطاران، ۱۳۸۵، ص ۶۰)

1. Yves Punie
2. Ornestine & Hunkins
1. Vandenbrock

در تحقیقی که سرگلزایی ، در سال ۱۳۹۸ تحت عنوان نگاهی بر مدل ها و شیوه های برنامه ریزی درسی در نظام آموزشی انجام داده است نتیجه گرفته است که : برنامه ریزی درسی را می توان تار و پود نظام آموزشی کشور دانست و به عنوان یک فرآیند ، با دیگر حوزه های تعلیم و تربیت ارتباط متقابل دارد. بدون بر نامه ریزی نمی توان پیشرفت کرد؛ بدون شک هر نهاد یا سازمانی رکود و توقف را نمی خواهد بلکه مایل است با حرکت به سوی وضع مطلوب متحول شد.

سراجی (۱۳۸۶) نشان داد که اگر گروه برنامه ریزی درسی مبتنی بر وب و در راس آنها معلم از لحاظ توانایی های مربوط به مدیریت یادگیری و مهارت های تعلیم و تربیت در سطح بالایی قرار داشته باشند به سهولت می توانند در برنامه درسی تاثیر مثبتی ایجاد کنند.

در تحقیقی که مهدی ، رسولی و مهدوی در سال ۱۳۹۸، تحت عنوان نقش مهارت های زندگی در برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی انجام داده اند نتیجه گرفتند که : نقش مهارت های زندگی در برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی قرار گرفته است . درسال های اخیر آموزش مهارت های زندگی به دلیل نقش و اهمیت آن در تقویت رفتارهای سازگارانه و مثبت، و آماده کردن افراد برای مواجهه اثرگذار با چالش های زندگی از طرف نظام های آموزشی رسمی مورد توجه قرار گرفته است. آموزش رسمی مهارت های زندگی به کودکان، نوجوانان و سایر افراد جامعه به دلیل اهمیت آنها مورد قبول قرار گرفته است، و امروزه بخشی از برنامه های درسی سطوح گوناگون تحصیلی به آموزش این مهارت اختصاص یافته است. یافته های پژوهش بیانگر بهره گیری تلفیقی رویکرد ها با محوریت مهارت های خودآگاهی، همدلی، اخلاقی، زیست محیطی و تاکید ضمنی بر مهارتهای ارتباط بین فردی و اجتماعی،تصمیم گیری، حل مسئله و مقابله با هیجانات و مغفول ماندن مهارت های تفکر خلاق و انتقادی می باشد. پیشنهادهایی ناظر بر بهبود کیفیت کتاب های درسی دوره دبستانی بر اساس رویکردهای اساسی آموزش فعالیت های زندگی، مهارت های خانه، مدرسه و جامعه، به عنوان توان بالقوه در جهت آموزش مهارت های زندگی قرار گیرند . بنابراین هر چه مهارتهای افراد بیشتر باشد، مشکلات فراگیران کاسته می شود . همچنین برنامه ریزی درسی در دوره ابتدایی پایبند و مقید تر می شوند و پیشرفت بالایی در این دوره پیدا می کنند.

تحقیقی توسط توندیر و همکاران در سال ۲۰۰۷ در کشور فنلاند انجام شده است . سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا معلمان استفاده کننده از فاوا مطابق با قابلیتهای پیشنهاد شده توسط دولت در فاوا در فنلاند می باشند .برای پاسخ به این سؤال تحقیقی در بین ۵۷۰ معلم در مدارس انجام شده است .نتایج نشان می دهد که معلمان عمدتاً تمرکز بر توسعه مهارتهای فنی فاوا جایی که برنامه درسی فاوا تمرکز بر تلفیق فاوا در فرایندهای یاددهی -یادگیری دارد، دارند .این امر خاطر نشان می کند وجود یک شکاف بین برنامه درسی پیشنهاد شده برای فاوا و برنامه درسی اجرا شده فاوا است که عمدتاً الگوی برنامه درسی فاوا برای سطح ملی در این کشور را در نهایت پیشنهاد می کند، که این برنامه درسی دارای سه بخش عمده می باشد؛ مهارتهای فنی، به شایستگی های فاوا که تمرکز بر فرایندهای یادگیری دارد و بخش شایستگی های اخلاقی و اجتماعی فاوا.

مبانی :مبانی جمع مبنا و به معنای جای بنای چیزی، محل بنا، بنیاد، بنیان، اساس، بنا و عمارت، ابتدا، اول و رایه است .مبانی همان هست ها است که بر اساس آن بایدها و نباید ها شکل میگیرد . به این بایدها و نباید ها اصول می گویند . چنان که تعلیم وتربیت نیز برای خود مبانی و اصولی دارد در باره مبانی گفته اند :مبانی تعلیم وتربیت از موقع آدمی و امکانات و محدودیت هایش و نیز از ضرورتهایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آنهاست، بحث می کند (شکوهی،۱۳۸۳).

برنامه درسی :منظور برنامه ای است که در هر سیستم آموزشی به مثابه مبنای انتقال یافته ها و دستاوردهای علمی مورد مراجعه قرار می گیرد و مشتمل بر تعدادی عنوان و مباحث درسی ، و روابط این دروس با یکدیگر است (قورچیان، ۱۳۸۲).

تعریف علم روانشناسی :روانشناسی را علم مطالعه رفتار و تجربه انسان و موجودات زنده تعریف کرده اند .روانشناسی به عنوان یک علم، کاربرد روشها و رویکردهای علمی در تلاش به منظور شناخت انسان را شامل می شود .روانشناسی عامل وحدت بخش فرایند یادگیری است و ارائه ای برای روشها، مواد و فعالیتهای یادگیری را تشکیل می دهد و در نتیجه به عنوان انگیزه ای برای بسیاری از تصمیمات برنامه درسی خدمت می کند .

روانشناسی و به ویژه علم روانشناسی تربیتی به پژوهش در زمینه یادگیری، تفکر، به خاطر سپردن، آموزش و عناوین مربوط به موقعیتهای تربیتی علاقه دارد .همچنین به توسعه و کاربرد برنامه های یادگیری برای دانش آموزان، توسط برنامه ریزان درسی یاری میرساند (سیف، ۱۳۸۶).

مبانی روان شناختی : روانشناسی به عنوان یک رشته علمی یافته ها و رهنمودهای بسیاری برای برنامه ریزان درسی دارد . فرایند تدوین طرح و اجرای برنامه ها تا حد زیادی نیازمند کاربست یافته های روانشناسی است . اهداف و محتوای برنامه های درسی باید با توجه به میزان رشد ذهنی یادگیرندگان، مدت زمان برای یادگیری و نیز با توجه به تواناییها و محدودیتهای افراد انسانی، متناسب با تفاوتهای فردی و ... استخراج گردد. (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۱).

ضرورت و اهمیت تحقیق

اهمیت توجه به مبانی روانی در برنامه ریزی آموزشی و درسی وقتی بیشتر روشن می شود که به ماهیت یادگیری در انسان و بخصوص به کم وکیف ایجاد انگیزه و علاقه برای آموختن و همچنین مختصات توانش ها و مراحل رشد یادگیرنده و غیره توجه نماییم .تعلیم و تربیت انسانها و به طور کلی ارتقاء دادن سطح دانش بصیرت و مهارتهای آنها، بدون دانش شناختی نسبتاً عمیق از مراحل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی در سنین مختلف و چگونگی ایجاد و تقویت انگیزه ها برای یادگیری میسر نخواهد بود . به همین جهت یک برنامه ریز آموزشی و درسی به طور اخص و یک مسئول و مجری برنامه های آموزشی و درسی به طور اعم، می بایستی از بیشتر یافته ها و اصول و قوانین علم روان شناسی، بخصوص روان شناسی تربیتی، اطلاع نسبتاً عمیق و وسیعی داشته باشد .روان شناسی تربیتی شاخه ای از علم روان شناسی است که جنبه های کاربردی اصول و یافته های روان شناسی را در تعلیم و تربیت مطالعه و بررسی می نماید (تقی پور ظهیر، ۱۳۸۵). عام ترین و مهمترین کاربرد نظریه گاردنر، توجه به یکی از ابعاد پیچیده انسان و تفاوت میان انسانهاست . تفاوت در زمینه هوش، گرچه در سایه قرائتهای سنتی از این قابلیت بشری نیز وجود داشته است، اما اولا ابعاد تفاوت و تنوع آن گونه که در نظریه هوش چندگانه منعکس است، مورد شناسایی قرار نگرفته بود و ثانیاً به دلیل عدم شناخت ابعاد این جنبه از وجود آدمی دامنه تأثیرگذاری آن بر تعلیم و تربیت بسیار محدود انگاشته می شد . بنابراین می توان یکی از ثمربخشترین دستاوردهای نظریه هوش چندگانه را در عرصه تعلیم و تربیت روشنگری و ایجاد وسعت دید در زمینه دامنه و سطوح التزامات ناشی از دیده تفاوتهای فردی ارزیابی کرد (مهرمحمدی، ۱۳۸۰).

نقش و تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر نظام آموزشی

شاید تکنولوژی بتواند یاددهی ــ یادگیری را از محدودیت های برنامه ی درسی خطی برهاند، بین یادگیری در مراکز آموزشی و خارج از مراکز آموزشی، خانه و مکان های دور دست پلی بزند و پایه و اساسی برای مفهوم یادگیری برای زیستن با هم و در کنار هم، فراهم سازد. هدف(یادگیری برای بودن)، رشد و توسعه ی شخصیت و توانایی عمل کردن با استقلال بیشتر، نقادی و موشکافی، برخورداری از قدرت تمیز و عهده دار شدن مسئولیت های فردی است .در این ارتباط، آموزش نباید هیچ یک از ابعاد و ظرفیت های فردی شامل حافظه، استدلال، زیباشناسی، احساسات، توان فیزیکی و مهارت های برقراری ارتباط را نادیده بگیرد.

مفهوم(یادگیری برای بودن)به طرح این مساله اشاره دارد که یادگیری ضمنی که درکلاس های درس مرتبط با هم شکل می گیرد، در آینده جایگاه قانونمند خود را در مراکز آموزشی خواهد یافت . وظیفه عمده نظام آموزشی، تربیت و پروراندن همه جانبه فراگیران آن نظام برای ایفای نقش مناسب خود در جامعه در جهت تعالی آن جامعه است .گرچه این تعریف را می توان از وجوه متفاوتی مورد بازبینی قرارداد، لیکن در یک نظر کلی ، رشد متعلم را دارا شدن سواد اطلاعاتی تعبیر نمود. سواد را در ساده ترین شکل به معنای توانایی خواندن و نوشتن و در وجه گسترده تر به معنای درک و فهم در نظر می گیرند . لیکن پدید آمدن تحولات جدید در عرصه فناوری اطلاعات و میزان تأثیر و جوامع از آن، به سواد اطلاعاتی یاد می شود (قاسمی، ۱۳۸۸).

نقش تکنولوژی آموزشی در تسهیل فرآیند یاددهی-یادگیری

باتوجه به مطالعات انجام شده، به کارگیری مواد و وسایل آموزشی را می توان در سه دسته معضلات آموزشی، نقش حواس در یادگیری و نقش مواد و وسایل در یادگیری بررسی نمود. از دیدگاه معضلات آموزشی، عواملی نظیر افزایش افراد تحت آموزش، کمبود معلمان مشتاق و نبود امکانات کافی و بالاخره استفاده چشم گیر از تکنولوژی آموزشی می تواند تا حدود زیادی جبران کننده کمبودهای ناشی از سه عامل یادشده باشد. دومین دسته از دلایل شامل حواس در یادگیری می باشد؛ که در یک انسان عادی، حدود ۷۵ ٪ یادگیری از طریق حس بینایی، ۱۳ ٪ شنوایی، ۶٪لامسه و در نهایت دو حس بویایی و چشایی هر کدام ۳ ٪ می باشد (تاتاری، شورورزی و همکاران، ۱۳۹۴).

از این رو آموزش و پرورش بایستی به یادگیری بصری نسبت به یادگیری شنوایی و آموزش زبانی توجه بیشتری نشان داد (نوروزی و خوشکام، ۱۹۹۵).

سومین دلیل نیز نقش مواد و وسایل آموزشی در تدریس و یادگیری می باشد. اگرچه گزینش محتوا و متن آموزشی مهم است؛ اما، انتقال موثر مفاهیم از اهمیت بیشتری برخوردار است که در این زمینه تکنولوژی آموزشی نقش موثری دارد، که مهم ترین آن ها عبارت است از:

۱ - اساس قابل لمسی برای تفکر و ساختن مفاهیم فراهم می کنند و در نتیجه، سبب می شوند شاگردان کمتر به مفاهیم انتزاعی متوسل شوند.

۲ - سبب ایجاد علاقه در امر یادگیری شاگردان می شوند و توجه آن ها را به موضوع آموزشی معطوف می سازند. پایه های لازم را برای یادگیری تدریجی و تکمیلی فراهم می سازند و آن را دائمی می کنند.

۳- تجاربی را در اختیار شاگردان قرار می دهند که کسب آن ها از راه های دیگر چندان امکان پذیر نیست و در نتیجه، به تکامل و افزایش عمق و میزان یادگیری می انجامد" (تاتاری و شوروزی، ۱۳۹۴).

جایگاه سواد رسانه ای در نظام آموزش کشور

همانطورکه اشاره شد اهمیت سواد رسانه ای در دنیای امروز کمتر از سواد خواندن و نوشتن نیست . به همان اندازه که سواد خواندن و نوشتن از ضروریات زندگی اجتماعی افراد به حساب می آید سواد رسانه ای نیز در عصر پر تلاطم اطلاعات که هر روز خود را در مواجهه با رسانه های گوناگون شنیداری، دیداری و نو شتاری می یابیم از اهمیت دو چندان برخوردار می باشد، چرا که بدون این سواد نمی توان گزینش های صحیح از پیام های رسانه ای داشت و خود را در برابر پیام های رسانه ها بیمه کرد و این خود زمینه سازی برای آموزش این نوع سواد را در کنارسواد خواندن و نوشتن در نظام آموزشی کشور ایجاب می کند .در این بین نهادهای اجتماعی – آموزشی همچون آموزش و پرورش ، دانشگاه ها و مراکز آموزشی به عنوان متولیان امر آموزش وتربیت انسان نقش عمده ای بر عهده دارند .نهاد آموزش و پرورش به عنوان اولین نهاد آموزشی که فرد به عنوان عضوی از جامعه با آن آشنا می شود نقش اصلی دارد . در این نهاد می توان با گنجاندن واحدهای درسی در دوره های تحصیلی زمینه را برای طرح موضوع سواد رسانه ای ایجاد کرد و در مقاطع تحصیلی بالاتر به عنوان واحد درسی به طور جدی تری به آن پرداخته شود.حمایت نهادهای آکادمیک از طریق گنجاندن مفاهیم سواد رسانه ای در کتب درسی دانش آموزان و دروس دانشکده های ارتباطات نیز می تواند مفید باشد .متاسفانه علی رغم اهمیت موضوع آموزش سواد رسانه ای برای کودکان و نوجوانان همچنان از آن به عنوان مفهوم جدیدی یاد می شود که نه تنها در مدارس بلکه در دانشگاه های ما نیز به آن توجه نمی شود.

هدف تحقیق

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی توصیفی مبانی فسلفی و روانشناختی و جامعه شناسی برنامه ی درسی فناوری اطلاعات و سواد رسانه ای بر نظام آموزشی می باشد.

مواد و روش تحقیق

برای انجام این تحقیق از روش توصیفی و مطالعه کتابخانه ای(چاپ و دیجیتالی) استفاده شده است به همین منظور از مطالب موجود در کتاب ها ، مقاله ها ، تحقیقات موجود در کتابخانه ها ی سنتی و همچنین کتابخانه های دیجیتالی استفاده شده است.

بحث و نتیجه گیری

میزان شناخت در حد متوسط معلمان از مبانی جامعه شناختی برنامه ریزی درسی و در سطح مطلوب نبودن آگاهی آنان ممکن است ناشی از کم توجهی به مبانی و اصول تعلیم و تربیت و اهداف تعلیم و تربیت باشد. علل دیگر آن کم توجهی معلمان به مفهوم دقیق و صحیح تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت، روان شناسی تربیتی، جامعه شناسی، برنامه ریزی درسی، اصول و روش های یادگیری و ... است.

همانگونه که اشاره شد از جمله ضروریات جامعه اطلاعاتی امروز توجه به آموزش و برنامه های درسی فاوا و مبتنی بر فاوا است.این امر در نظا م های آموزشی کشورهای توسعه یافته و اکثر تحقیقات انجام شده در این زمینه به اثبات رسیده است . تنظیم و شکل دهی مطلوب برنامه های درسی مستلزم توجه همه جانبه به مبانی فلسفی، روان شناختی و اجتماعی آن می باشد که باید توامان مد نظر برنامه ریزان قرار گیرد . فراگیر به عنوان محور یاد گیری و آموزش تلقی می شود و به همین دلیل برنامه ریزان قبل از هر چیز باید اطلاعات لازم درباره فراگیران را بدست آورده و با ابعاد مختلف شخصیت آنها آشنا شوند . کسب این اطلاعات درباره ویژگیهای کلی دانش آموزان از جمله اقداماتی است که باید توسط برنامه ریز صورت گیرد . این اطلاعات را می توان با استفاده از یافته ها و نظریات علم روان شناسی کسب کرد. مقایسه ی مبانی روان شناختی برنامه های درسی سنتی و برنامه درسی فاوا یک تغییر جهت همه جانبه در حوز ه ی مطالعات و نظریات روان شناسی را نشان می دهد که تحولاتی در تمامی جوانب آموزش و پرورش را به دنبال داشته است . این تحولات از رویکردهای آموزش گرا به ساخت و ساز گرا، معلم محور به یادگیرنده محور، رفتاری به شناختی، بازنمایی ها به تولید و خطی به شبکه ای شده و غیرخطی معطوف شده است (هوکانسون و هوپر[1]، به نقل از آیتی و همکاران، ۱۳۸۵).

1. Hokanson and Hooper

منابع

آیتی، محسن و همکاران . (۱۳۸۵). چارچوب نظری برنامه های درسی تربیت معلم در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات مبتنی بر تحلیل مبانی فلسفی، اجتماعی و روان شناختی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۳.

پروند، محمدحسین.(۱۳۸۵). مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران: خورشید، چاپ دوم.

تاتاری، محسن؛ شورورزی، بتول؛ حسینی، نسا . (۱۳۹۴). نقش و جایگاه تکنولوژی آموزشی در تسهیل فرآیندهای یاددهی-یادگیری دانش آموزان دوره ی دبستان. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی. موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

تقی پور ظهیر، علی. (۱۳۸۵). مقدمه ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی. بیست و چهارم، تهران: موسسه انتشارات آگاه.

خدایار ، هداوند محمدرضا. (۱۳۸۳). ارزیابی کیفیت دوره های آموزش مؤسسات ارائه دهنده خدمات آموزشی به شرکت ایران خودرو ، تهران :فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی. سال ۳۴، شماره ۱.

سرگلزایی، عقیل، (۱۳۹۸)، نگاهی بر مدل ها و شیوه های برنامه ریزی درسی در نظام آموزشی، کنگره ملی تازه یافته ها در علوم انسانی، تهران -دانشگاه علامه طباطبایی، موسسه غیرانتفاعی میرداماد گرگان، از: https://civilica.com/doc/925801/

سیف، علی اکبر. (۱۳۸۶). تغییر رفتار و رفتار درمانی. نهم، تهران: انتشارات آگاه.

شریعتمداری،علی. (۱۳۷۸). روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیر کبیر.

شکوهی، غلامحسین. (۱۳۸۳). مبانی و اصول آموزش و پرورش. هفدهم، مشهد: به نشر.

عبادی، رحیم .(۱۳۸۴). فناوری اطلاعات و آموزش و پرور ش . مؤسسه توسعه فناوری آموزش مدارس هوشمند.

عباس زاده، قهرمان. (۱۳۷۱). بررسی میزان آشنایی و کاربرد مواد آموزشی در آموزش. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد.

فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۱). اصول برنامه ریزی درسی. انتشارات ایران زمین.

قاسمی،مریم. (۱۳۸۸). تاثیر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات بر میزان یادگیری و سواد اطلاعاتی دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی در درس علوم تجربی.پایان نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی. دانشگاه تربیت معلم،دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

قورچیان، نادرقلی. (۱۳۸۲). برنامه ریزی درسی و آموزشی. تهران: واحد علوم و تحقیقات.

ملکی،حسن. (۱۳۸۷). دیدگاه برنامه درسی فطری -معنوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، روش شناسی بومی سازی علوم انسانی ،کنگره علوم انسانی.

ملکی، صفی الله. (۱۳۸۸). فناوری اطلاعات درآموزش وپرورش، انتشارات جهاد دانشگاهی www.lmis.ir

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۰). برنامه های درسی تلفیقی، رویکردی متفاوت با برنامه های درسی موضوع محوری / دیسیپلینی (شیوه سنتی). مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س).

میرزابیگی، علی. (۱۳۸۰). برنامه ریزی درسی و طرح درس در آموزش رسمی و تربیت نیروی انسانی. تهران: یسطرون.

یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۷۷). اصول برنامه ریزی درسی. تهران: موسسه انتشارات یادواره کتاب.

M.puteh & A.M.Vicziany. (2004).How smart are malaysia ,smart school ,4th Global congress on Engineering Education ©2004 UICEE BANGKOK .Thailand ,5-9 july.

Oliva, P. F. (2010). Developing the curriculum. Pearson publication, Inc.

Ornestein, Allan. C. and Hunkins, Francis. (1997). Curriculum: Foundations, Principles and issues.

Punie, Yves (2007), Learning spaces: and ICT-enabled model of future learning in the knowledge-based society, European Journal of Education, vol. 42. No. 2.

Vandenbrock, Frank (2007), Competences for the Knowledge Society, Flemish minister for employment, Education and training.